روایت اول؛ «صم حین یصوم الناس... فان الله جعل الاهله مواقیت»

بحث سندی

این روایت ششم بود. روایت پنجم را دیروز خواندیم. عبارت این بود:

> **وباسناده عن علي بن الحسن بن فضال، عن أبيه، عن محمد بن سنان، عن أبي الجارود وزياد بن المنذر العبدي قال: سمعت أبا جعفر محمد بن علي عليه السلام يقول: صم حين يصوم الناس، وأفطر حين يفطر الناس، فان الله عز وجل جعل الأهلة مواقيت.[1]**

«باسناده»؛ یعنی به اسناد جناب شیخ در تهذیب. ابوالجارود دو روایت دارد که فقط در تهذیب هست و در سائر کتب اربعه نیست. راوی آن دو هم ابو الجارود است. یکی از آنها در غیر ابواب الزیادات آمده و دیگری در ابواب الزیادات آمده است. روایت ششم را دیروز خواندم. این روایت پنجمی است. آن را خواندیم. الآن به سندش اشاره کنم.

«عن ابی الجارود و زیاد بن المنذر»؛ در نسخه وسائل السلامیه به این صورت است ولی معلوم است که واو نمی‌خواهد. در چاپ آل البیت شاید تصحیح کرده باشند. «قال: سمعت أبا جعفر محمد بن علي عليه السلام يقول: صم حين يصوم الناس، وأفطر حين يفطر الناس، فان الله عز وجل جعل الأهلة مواقيت».

در همین مباحثه از علی بن الحسن بن فضال بخاطر فطحی بودن و اینها بحثش شد. «عن ابیه» که حسن بن فضال است هم بحث شد. بحث در محمد بن سنان است که بحثش معروف است. مشهور بر تضعیف او هستند ولی اینکه این تضعیف سر برسد ای نه، بحث‌های گسترده‌ای هست. شبیه همین بحث در جابر بن یزید جعفی شده ولی اسهل است. جابر بن یزید را زودتر می‌توانند توثیق کنند تا محمد بن سنان. فضای محمد بن سنان از نظر کلاس رجال سخت‌تر است. ولی کسانی هم هستند که از محمد بن سنان دفاع کرده‌اند. ولی فعلاً ایشان در سند هست. به‌خصوص در مانحن فیه که ابن غضائری ای پدرش فرموده بود که در کتب اصحاب ما از ابوالجارود خیلی روایت هست. جمله جالبی است. یعنی ابوالجارود زیدی است اما نقل روایات ابوالجارود در امامیه بیشتر از نقل روایات او در زیدیه است. یعنی امامیه بیشتر به روایت ابوالجارود عنایت داشته‌اند و در کتاب هایشان آورده‌اند، تا خود زیدیه که او رئیس جارودیه است. فقط غضائری تذکر می‌دهند آن چه که از ابی الجارود از طریق محمد بن سنان نقل شده، اصحابنا میل ندارند عمل کنند. از دیگری اسم

می‌برند. یعنی این هم یک نحو اشکال کلاسیک رجالی در حدیث ما است. یکی خود محمد بن سنان است. دوم اینکه در اینجا محمد بن سنان از ابی الجارود نقل می‌کند. یکی هم خود ابوالجارود است. بحث در ابوالجارود گسترده است که اصلاً آیا توثیق دارد یا ندارد. بعضی ترجیح داده‌اند که او را به وثوق برسانند. در زیدی بودنش بحث‌های مفصلی دارد. اول در زمان امام باقر علیه‌السلام بالاتفاق مستقیم بوده است. بعد که جناب زید در صد و بیست و سه خروج کردند، حدود ده سال بعد از شهادت امام باقر علیه‌السلام و امامت امام صادق گذشته بود، وقتی جناب زید خروج کردند او به زیدیه متمایل شد و قائل به خروج ایشان شد. حرف‌هایی هم داشت؛ در روایات قرائنی هست که امام علیه‌السلام عبارات بسیاری تندی علیه ابی الجارود داشتند. ولی هم مرحوم نوری در خاتمه مستدرک و هم مرحوم خوئی در رجالشان دارند؛ لحن آقای خوئی قویتر و رساتر است؛ می‌گویند قرائنی داریم که آخر کار دوباره عدول کرد. یعنی ابوالجارود در پایان کارش از زیدیه برگشته است. روایاتی مثل خلاف اثنی عشر را از او نقل کرده‌اند، برای زمانی است که از زیدیه برگشته است.

شاگرد: جارودیه فرقه ای هستند.

استاد: بله، شیعه و سنی دارند. سنی ها برای ابوالجارود بسیار می‌گویند چون رئیس الجارودیه است. جارودیه را در ملل و نحل ذکر می‌کنند. ایشان رئیس جارودیه است. مادر زاد مکفوف بوده است.

---

[1] وسائل الشيعة - ط الإسلامية نویسنده : الشيخ حرّ العاملي جلد : ۷ صفحه : ۲۱۲

بازبینی #3
ایجاد شده 29 نوامبر 2025 13:29:02 توسط ... .
به روزرسانی شده 25 فوریه 2026 14:58:25 توسط ... .